

## درویش ناصر بخارایی و نسخه‌های دیوان او

شریف‌مراد اسرافیلینیا\*

درویش ناصر بخارایی یکی از شاعران غزل‌سرای طراز اول قرن ۱۴م. / ۸ هـ است که متأسفانه، پیرامون حیات و آثار و مقام او در تاریخ ادبیات فارسی تدقیقات سودمندی روی کار نیامده است. حال آن‌که خدمتش در رونق غزل عاشقانه‌ی عارفانه نظرس بوده، بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای ادب فارسی خواجه حافظ، به شعر او نظر داشته است. سبب از نظرها دور ماندن ناصر بخارایی، به پندار ما، همانا کم‌چین و نادر بودن نسخه‌های دیوان وی و آماده نشدن متن کامل اشعار اوست. از ناصر بخارایی در تذکره و دیگر سرچشمه‌های [مأخذ] ادبی و تاریخی، مانند «تذکره الشعراء»ی دولت‌شاه سمرقندی، «بهارستان» مولانا عبدالرحمان جامی، «محبوب القلوب» علی شیر نوایی، «هفت اقلیم» امین احمد راضی، «خلاصه الاشعار» تقی‌الدین کاشانی، «عرفات العاشقین» تقی‌الدین اوحدی حسینی کازرونی، «حبیب السیر» غیاث‌الدین خواندمیر، «روضه الصفا» محمّد میرخواند، «روز روشن» حسین صبا، «قاموس الاعلام» شمس‌الدین سامی، «ریاض الشعراء»ی واله‌ی

---

\* دکترای ادبیات، استاد دانشکده‌ی دولتی زبان‌های تاجیکستان

داغستانی، «ریحانة الادب» محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی، «ریاض العارفین» رضاقلی خان هدایت، «نشر عشق» حسین قلی خان عظیم‌آبادی، «الذریعه» [الذریعه الی تصانیف الشیعه] آقابزرگ تهرانی، «لطائف الطوائف» علی صفی، «کلمات الشعراء» محمد افضل سرخوش، «مرآة الخیال» امیر شیرعلی خان لودی، «تذکره‌ی ارمغان» آصفی، «ریاض الجنه» زنوزی تبریزی، «صبح گلشن» سید علی خان حسینی، «نتایج الافکار» محمد قدرت‌الله گوپامویی، مجموعه‌ی «سی شاعر»، «سفینه‌ی خوشگو» ی خوشگو، «قصیده‌ی بزرگان» طغرل احراری یاد شده است.

مؤلفان این سرچشمه‌ها او را به صفت عارف بزرگ بحق رسیده و شاعر توانای شیرین‌سخن ستوده‌اند. در بعضی از تذاکر هندی، از جمله در تذکره‌ی نثرآبادی، او را با قاضی ناصر بخارایی - شاعر عصر ۱۷ م / ۱۱ هـ یکی دانسته‌اند.

خاورشناسان اروپایی مانند یان ریپکا (Jan Ripka) در «تاریخ ادبیات فارسی - تاجیکی»، هرمان اته (Hermann Ethé)، ج. ۳ (؟) رتو (Rieu) و ادگار بلوشه (Edgard Blochet) در فهرست‌های خود از او یاد کرده‌اند، اما ادوارد براون در کتاب خود «از سعدی تا جامی» از کلیه‌ی شعرا و ادبای معاصر ناصر یاد می‌کند، ولی از او نام نمی‌برد. علاوه بر این، ملاقات ناصر با سلمان را، که در کنار دجله واقع شده است و کلیه‌ی تذکره‌نگاران از آن یاد کرده‌اند، به عبید ذاکانی نسبت می‌دهد. از ناصر بخارایی در اکثر کتب تواریخ ادبیات فارسی تاجیکی و دائرة المعارف‌ها که در ایران، افغانستان، پاکستان، هندوستان، تاجیکستان، روسیه و ازبکستان به زبان‌های فارسی - تاجیکی، عربی، اردو، روسی و ازبکی نوشته شده‌اند، یاد شده است. از جمله، در «شعر العجم» شبلی نعمانی، «نمونه‌ی ادبیات تاجیک» صدر الدین عینی، «تاریخ نظم و نثر در ایران در زبان فارسی» سعید نفیسی، «تاریخ ادبیات در ایران» ذبیح‌الله صفا، «دائرة المعارف فارسی»، «دانشنامه‌ی ادب فارسی»، «تاریخ ادبیات تاجیک (عصرهای ۱۳ - ۱۵)» خالق میرزازاده، «ادبیات فارس و تاجیک در عصرهای ۱۲ - ۱۴»، «انسیکلوپدی [دایره المعارف] ادبیات و صنعت تاجیک»، «انسیکلوپدی ساویتی [شوروی] تاجیک»، «ازبیک [ازبک] ساویت

انسیکلوپیدیسی<sup>۱</sup> و غیره که ضمن مطالعه در روزگار و آثار شاعر، بررسی نموده‌ایم. نخستین تدقیقات نسبتاً جدی در مورد این شاعر نیکوخیال به قلم پرویز ناتل خانلری با عنوان «آشنایان حافظ - ناصر بخارایی» تعلق دارد. هرچند که هدف مؤلف مقاله مطلب دیگری بوده، اما از آن جا که ناصر به همگان آشنا نبود، تکیه به معلومات بعضی از سرچشمه‌ها و دیوان شاعر تا اندازه‌ای دایر به [در مورد] روزگار و آثار، سبک سخن و شیوه‌ی شاعری او سخن کرده است و بعداً هم‌سخنی او را با حافظ نشان می‌دهد.

مهدی درخشان، که دیوان شاعر را نشر نموده است، در مقاله‌ی «این ترجیع‌بند از کیست؟» پیرامون یک ترجیع‌بند ناصر، که اشتهاً به ناصر خسرو نسبت داده شده است، بحث می‌کند.

در مقاله‌ی «مشترکات حافظ شیرازی و ناصر بخارایی» سراول [نخست] از شناخته نشدن ناصر و دسترس نبودن دیوان او حرف می‌زند و بعداً ضرورت تدوین دیوان شاعر را به میان می‌گذارد.

طبق گفته‌ی شاعر شهیر مهدی اخوان ثالث متخلص به امید، عزم [قصد] تدوین دیوان ناصر را داشته، ولی به سببی از این کار دست می‌کشد.

مرجع کار درخشان را نسخه‌های دیوان شاعر و بیاض و جُنگ‌های کتابخانه‌های ایران تشکیل داده است. نسخه‌های دیوان شاعر، که در جماهیر شوروی سابق، از جمله در کتابخانه‌های لنین‌گراد [سنت پترزبورگ]، دوشنبه، باکو و تاشکند موجودند، مورد استفاده‌ی محقق قرار نگرفته‌اند. دیوان ناصر بخارایی به کوشش مهدی درخشان سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۵) از جانب انتشارات «بنیاد نیکوکاری نوریانی» به نشر رسیده است. دیوان با دیباچه‌ی مفصل دبیر کلّ «بنیاد نیکوکاری نوریانی» دکتر نصرت‌الله قاسمی آغاز می‌شود. مؤلف دیباچه، سراول [نخست] در مورد معلومات پریشان تذکره‌نویسان پیرامون روزگار ناصر حرف زده، بعداً در مورد سبک و شیوه‌ی اشعار ناصر اندیشه می‌راند. بعد از دیباچه‌ی قاسمی، مهدی

† دایره المعارف شوروی ازبک

درخشان در ابتدا سبب اقدامش را در مورد تصحیح دیوان شاعر بیان نموده، بعداً به شرح حال ناصر می‌پردازد. محقق در مورد شرح حال شاعر پیرامون نام و نسب، زادگاه، مسافرت‌ها و سایر سوانح زندگی او در اساس معلومات سرچشمه‌ها و اساساً دیوان شاعر حرف زده است. علاوه بر این، محقق دایر به ممدوحان، اخلاق و عادات، استقبالش از شعرای پیشین، هم‌سخنی‌اش با شاعران هم‌عصر، شیوه و سبک و خصوصیت‌های اشعار، تعداد اشعار و دیگر جنبه‌های آثار ناصر بحث نموده است. اگرچه مهدی درخشان این دیوان ترتیب‌داده‌ی خود را «دیوان جامع» نامیده است، ولی بسیاری از ابیات و غزل‌های شاعر از آن بیرون مانده است. از جمله مثنوی «هدایت‌نامه» ناکامل و چند غزل، که در انتساب آن به ناصر بودن شبهه‌ای نیست، به این دیوان داخل نگردیده است. سبب این حالت بی‌خبر بودن مرتب از نسخه‌های نسبتاً کامل دیوان شاعر، که در تاشکند، سانکت پیترزبورگ و دوشنبه موجودند، می‌باشد. بعد از نشر دیوان نیز تحقیق اشعار ناصر در ایران رواج نیافت. از سال نشر دیوان تا به امروز، یعنی در مدت ۳۵ سال تنها چند مقاله به نشر رسیده‌اند و بس، آن هم ناوابسته به اشعار شاعر، بلکه در مورد بررسی اشعار شاعران دیگر نوشته شده‌اند. یکی نوشته‌ی سید حمیدرضا مجرد با نام «سلمان ساوجی و ناصر بخارایی»، که سال ۱۳۷۷ در مجله‌ی «کیهان فرهنگی» به نشر رسیده است. مؤلف مقاله قبل از آن که هم‌سخنی سلمان و ناصر را بررسی نماید، می‌نویسد: «ناصر بخارایی شاعر قرن هشتم هجری از شاعران توانا و سخنوران بزرگ ادب فارسی و عارفان اسلامی است که هنوز طالبان ادب و فرهنگ ایران‌زمین او را به اندازه‌ای که شایسته است، نشناخته‌اند». مقاله با کتاب‌نامه از سه صفحه عبارت است و تنها با ذکر اشعار هم‌وزن و قافیه و مشترکات سلمان و ناصر اکتفا شده است.

نوشته‌ی دیگر از حافظ‌شناس شهیر بهاء‌الدین خرمشاهی است، که در «حافظ‌نامه» ضمن بررسی «تأثیر پیشینیان بر حافظ»، از ناصر یاد می‌کند و در مورد مشترکات ناصر و حافظ بحث می‌آراید. آقای خرمشاهی در مورد هنر شاعری ناصر می‌نویسد: «درویش ناصر یا شاه (خواجه) ناصر بخاری یا بخارایی از شعرای نامدار قرن هشتم و در قصیده و غزل تواناست. مرتبه‌ی شاعری او فروتر از سعدی و

حافظ و خواجه و سلمان و هم‌تراز کسانی چون نزاری قهستانی، عبید، اوحدی مراغی و کمال خجندی است» (حافظ‌نامه، ۷۳).

سوم، پایان‌نامه‌ی کارشناس ارشد دانشگاه یزد، مجتمَع علوم انسانی عباس فاطمی با عنوان «نقد تحلیلی دیوان ناصر بخارایی و تأثیرپذیری حافظ از او» است که سال ۱۳۷۹ در دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی تحت راهنمایی ملک ثابت و مشورت جمال‌الدین مرتضوی دفاع شده است. این پایان‌نامه به نشر نرسیده، به حکم دست‌نویس است.

ذبیح الله صفا در جلد سوم «تاریخ ادبیات در ایران» در قطار شعرای دیگر پیرامون روزگار و آثار ناصر نیز معلومات داده است. اگرچه صفا نیز در باره‌ی ناصر معلومات مختصر می‌دهد، اما برداشت‌هایی که از معلومات سرچشمه‌ها و دیوان شاعر می‌کند، از دیگر محققان بهتر و علمی‌تر است. شاعر و ادبیات‌شناس فقید معاصر ایران قیصر امین‌پور در کتاب «سنت و نوآوری در شعر معاصر» در فصل نهم هنگامی که سنت و نوآوری را بررسی می‌نماید، از ناصر بخارایی نیز یاد کرده، می‌نویسد: «و معاصر دیگر حافظ، ناصر بخارایی، علی‌رغم آن که چندان نوآور نیست، خود را دارای سخن نادر و طرزی غریب می‌داند» و در تأیید این مدعا سه بیت ناصر را آورده است (سنت و نوآوری در شعر معاصر، ۲۶۸). مرحوم قیصر امین‌پور این‌گونه دعوی شاعر را از مفاخرات او می‌داند.

عبدالحسین زرین‌کوب در «سیری در شعر فارسی» نیز معلومات کوتاهی در باره‌ی ناصر داده است.

در تاجیکستان اولین محقق‌ی که به ناصر توجه نموده است، استاد عینی می‌باشد. استاد عینی سال ۱۹۲۶ در «نمونه‌ی ادبیات تاجیک» با تکیه به معلومات تذکره‌ی دولت‌شاه سمرقندی دایر به ناصر معلومات کوتاهی داده، یک قصیده و دو غزل او را به طریق نمونه می‌آورد. در «انسیکلوپدی ساویتی تاجیک» معلومات خیلی مختصر در باره‌ی روزگار و آثار ناصر آورده شده است که به قلم ولی‌خواجه‌یوا تعلق دارد. مؤلف مقاله بی‌واسطه دیوان شاعر را مطالعه نکرده، در اساس تدقیقات خالق میرزازاده در باره‌ی او سخن کرده است. در «انسیکلوپدی ادبیات و صنعت

تاجیک» نیز از ناصر یاد شده است که خیلی مختصر و بدون نام مؤلف آمده که در اساس معلومات تاریخ‌های ادبیات فارسی تاجیکی نوشته شده است. ولی‌خواجه‌یوا ۲۰ غزل و ۱۵ رباعی شاعر را با سرسخن خیلی کوتاهی سال ۱۹۸۱ در مجله‌ی «صدای شرق» به نشر رسانده است. در «گلشن ادب» نیز معلومات کوتاهی دایر به روزگار و آثار شاعر داده شده، بیست غزل او به طریق نمونه آورده شده است. در اثرهای تدقیقاتی که پیرامون روزگار و آثار شاعران معاصر ناصر صورت گرفته است، از او به عنوان شاعر هم‌زمان یاد شده است. از جمله اعلاخان افصحزاد در «کمال خجندی- استاد غزل»، بدرالدین مقصوداف «روزگار و آثار کمال خجندی» و «جستجو در احوال و آثار عراقی» از او نام برده‌اند.

سال ۱۹۹۶ مرحوم حبیب‌اف در اساس دیوان ترتیب‌داده‌ی مهدی درخشان «منتخبات» اشعار ناصر را به طبع رساند که تنها قسمتی از غزل‌های او را فرا می‌گیرد. این کتاب نخستین مجموعه‌ی نسبتاً کلان شاعر است که او را به خوانندگان تاجیک معرفی می‌کند. شادروان حبیب‌اف در مورد ترجمه‌ی حال شاعر همان شیوه‌ی کار م. درخشان را دنباله کرده، گفته‌های او را تکرار نموده است. ولی در انتخاب غزل‌های شاعر به دیوان ترتیب‌داده‌ی م. درخشان قناعت نکرده، آن را با دیوان نسخه‌ی دست‌نویس شماره‌ی ۸۸۴ ذخیره‌ی دست‌خط‌های آکادمی علوم تاجیکستان در مقایسه می‌بیند. این عمل به تدوین‌کننده امکان داده که ابیات تازه‌ی شاعر را پیدا کند، ولی در برگردان آن به خط سیریلیک به اشتباهات زیادی راه داده است. ناوابسته به این «منتخبات» ترتیب‌داده‌ی این دانشمند فاضل توانست خوانندگان تاجیک را با اشعار ناصر آشنا سازد. در کتاب «ادبیات فارس و تاجیک در عصرهای ۱۲-۱۴» هنگام بررسی ادبیات نیمه‌ی دوّم عصر ۱۴ از ناصر بخارایی نیز یاد شده که به قلم ائوسف براگینسکی تعلق دارد و در مسئله‌ی ترغیب آزادی و لاقیدی غزلی از او به طریق نمونه انتخاب شده است». خالق میرزازاده در «تاریخ ادبیات تاجیک (عصرهای ۱۰-۱۳)» در ضمن بیان وضعیت ادبی این دوره در زمره شاعران درجه‌ی دوّم در باره‌ی ناصر، زندگی و اشعار او معلومات می‌دهد. محقق با تکیه به دست‌خط دیوان شاعر، که سال ۸۵۸ (۱۴۵۴) در شیراز کتابت شده است و

معلومات سرچشمه‌ها تا اندازه‌ای به روزگار شاعر روشنی انداخته است. ولی اکثر گفته‌های او فرض و تخمین‌هاست. خالق میرزازاده، که هدفش تحقیق عمیق روزگار آثار شاعر نبوده، بلکه معرفی ناصر به حیث یکی از نمایندگان ادبیات این دوره است، از این سبب در حجم چهار صفحه پیرامون روزگار و موضوع اشعار شاعر سخن کرده‌است و بس. در کتاب مورخ شناخته مرحوم احرار مختار اف «دردانه‌های مدنیت تاجیکستان در گنجینه‌های هندوستان»، که دایر به دست‌خط‌های فارسی کتاب‌خانه‌های هندوستان معلومات داده شده است، چند جا اسم ناصر بخارایی می‌رود و ابیاتی از او به طریق نمونه آورده شده است، اما این اشعار از شاعر دیگر با نام قاضی ناصر بخارایی می‌باشد که در قرن ۱۸ م زندگی و تألیف کرده است.

در ازبکستان اولین کسی که در باره‌ی ناصر معلومات می‌دهد، عصمت‌الله عبدالله اف می‌باشد. سال ۱۹۵۶ شخصی از نمندگان با نام عبدالواحد صمداف یک نسخه‌ی دیوان ناصر بخارایی را به عالم شناخته‌ی ازبک ع. عبدالله‌اف پیشنهاد می‌کند. این نسخه شامل ۴۶۰ غزل است، که یکی از نسخه‌های مکمل دیوان‌های شاعر به شمار می‌رود. عصمت‌الله عبدالله‌اف در باره‌ی ناصر بخارایی و این نسخه‌ی دیوان او چند مقاله نوشته، ضرورت تحقیق روزگار و آثار شاعر را به میان می‌گذارد. ناصرشناسی در ازبکستان به نام سلیم‌جان قربان اف تعلق دارد. موصوف در موضوع «میراث لیریک (Lyric) (= غنایی) ناصر بخارایی» سال ۱۹۷۴ رساله‌ی نامزدی [دکتری] دفاع نموده است. رساله به زبان ازبکی بوده، فشرده‌ی آن در حجم ۲۶ صفحه به روسی ترجمه شده است. اگرچه قربان‌اف از نسخه‌های محفوظ دیوان شاعر در دوشنبه، تهران و سانکت پترزبورگ یاد می‌کند، اما اساس کار او را همان نسخه‌ی دیوان از نمندگان یافته شده‌ی شاعر تشکیل می‌دهد. رساله‌ی قربان اف از سه باب، خلاصه و کتاب‌نامه عبارت است. باب اول «سرچشمه‌های تاریخی که در باره‌ی ناصر بخارایی معلومات داده‌اند» عنوان داشته و در آن اخبار بعضی تذکره‌ها، اثرهای ادبی، تدقیقات محققان شرقی و مستشرقان اروپایی در باره‌ی ناصر، بررسی شده‌اند. اما همه سرچشمه‌ها مورد تحقیق قرار نگرفته‌اند. در باب دوم قربان‌اف ترجمه‌ی حال شاعر را بررسی نموده است. باب سوم رساله‌ی مذکور «عنونه و

نوآوری» عنوان داشته، مؤلف پیرامون موضوع و محتوا، سبک سخن و خصوصیت‌های خاص غزلیات شاعر بحث نموده که ارزش رساله نیز وابسته به همین باب است. علاوه بر این، سلیم‌جان قربان‌اف چند مقاله در باره‌ی روزگار و اشعار ناصر به نشر رسانیده است. رساله و مقالات سلیم‌جان قربان‌اف در اساس متدولوژی [روش‌شناسی] مارکسیزم - لنینیسم نوشته شده است. اگرچه به اندیشه‌های عرفانی اشعار شاعر اشاره می‌کند، اما بیشتر سعی نموده است که اندیشه‌های تنقیدی [انتقادی] شاعر را نسبت به حکام و روحانیان بررسی کند.

ناصر شاعر عارف است و این دو قریحه، یعنی شاعر آزاده‌ی سخن‌پرداز و عارف وارسته‌ی عاشق بودن، او را به ایجاد غزل‌های عارفانه‌ی عاشقانه واداشته است، که بیانگر هم مقام عرفانی و هم شاعری اویند. ترجیع‌بند و ترکیب‌بند قصاید و مقطعات، رباعیات و مثنوی‌ها و علی‌الخصوص غزلیات او مالمال از اندیشه‌های عرفانی و دینی، سیاسی و اجتماعی و سلوک فردی شاعر عارفند.

پیرامون نسخه‌های دیوان ناصر بخارایی، که در کتاب‌خانه‌های ایران محفوظ می‌باشند و یک نسخه‌ی خطی کتاب‌خانه‌ی استانبول مرحوم دکتر مهدی درخشان در سرسخن دیوان شاعر که از جانب او سال ۱۳۵۳ در تهران به نشر رسیده است، به تفصیل معلومات داده است. اما شادروان مهدی درخشان از نسخه‌های دیگر دیوان شاعر، که در کتاب‌خانه‌های تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان و روسیه محفوظ می‌باشند بی‌خبر بوده است. مراد از این نوشته معرفی نسخه‌های دیوان و بیاض و جنگ‌هایی هستند که اشعار ناصر در آن‌ها ثبت است و از نظر محققان دور مانده است.

۱. نسخه‌ی شماره‌ی ۸۸۴- انستیتوی شرق‌شناسی و آثار خطی جمهوری تاجیکستان. اصلاً این دست‌نویس دیوان کاتبی بوده، در حاشیه آن اشعار ناصر بخارایی، شاهی، بساطی، خیالی و آذری ثبت یافته است. ۳۲۹ غزل ناصر در حاشیه‌ی ورق‌های ۸۸ ب، ۱۰۰ ب-۱۰۶ ب؛ ۱۱۷ ه-۱۶۳ ب؛ ۱۶۵ ه-۲۰۸ ب؛ مثنوی «هدایت‌نامه» ورق‌های ۲۰۹ ه-۲۲۶ ه؛ ۳ ترجیع‌بند ورق‌های ۲۲۶ ب-۲۳۳ ب جای گرفته‌اند. کتابت آن ماه رمضان سال ۸۵۰ هـ. (نوامبر- دسامبر ۱۴۴۶) به



آخر رسیده است. دست‌نویس هنگام مقابله‌بندی (= جلدسازی) آسیب زیاد دیده و بعضی از اوراق آن از بین رفته و قسمتی از آن در نسخه‌ی ۶۳۲ افتاده است. دست‌نویس با خط نستعلیق در کاغذ خوب استحصال (= تولید) شرقی کتابت شده، بعضاً خط شکسته نیز به کار رفته و برای آرایش نقطه‌های بی‌دخل گذاشته شده‌اند. اندازه‌ی دست‌خط ۱۲ X ۳۰ سانتی‌متر بوده، اشعار ناصر نیز آرایش یافته‌اند. مثلاً، ابیات ترجیع‌بندها با خط روشن در داخل جدول نقش و نگاردار زرحل‌کاری [نگاشته شده با آب طلا] نوشته شده‌اند. دست‌خط چند بار برقرار کرده شده، که ورق‌های علاوه‌اش فرق می‌کنند.

۲. نسخه‌ی شماره‌ی ۶۲۸ - انستیتوی آثار خطی به نام آکادمیک عبدالغنی میرزایف آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان. در ورق‌های ۴A تا ۸B در حاشیه ابیات پراکنده از آغاز مثنوی «هدایت‌نامه» ناصر درج گردیده است. این نسخه ادامه‌ی نسخه‌ی ۸۸۴ بوده، ابیاتی در آن موجود است که در نسخه‌های دیگر به نظر نمی‌رسد.

۳. دیوان در نمگان یافته شده که شخصی با نام عبدالواحد صمداف آن را با عصمت‌الله عبدالله‌اف تحفه نموده است. (منبع ما آن را نسخه‌ی نمگان می‌نامیم) این نسخه با سرسخن کوتاهی (ورق‌های B-۱ - ۲A) آغاز می‌شود که بنا به گفت عصمت‌الله عبدالله‌اف شاید به قلم خود شاعر تعلق داشته باشد. اما به اندیشه‌ی ما آن نوشته‌ی مرتب و یا کاتب است، زیرا در آن از ناصر به صفت شخص فوت شده یاد شده است. بعداً دو قصیده در توحید خداوند و دو قصیده در نعت رسول اکرم (ص) آمده است (ورق‌های ۴B-۷A). در ورق‌های ۷B تا ۸۶B قصاید شاعر جای گرفته‌اند. بعد از قصیده، چهار ترجیع‌بند آمده است که هر کدام در سه ورق ثبت یافته‌اند. ۳ مخمس، دو مثنوی و ۱۰ قطعه در ورق‌های A-۱۰۰ - B-۱۱۲ جای گرفته‌اند. موافقت ترتیب الفبا طبق حرف آخر قافیه یا ردیف ۴۶۰ غزل در ورق‌های B-۱۱۲ - ۲۲۶A آمده است. در ورقه‌های A-۲۵۵ - ۲۵۶A هفت رباعی آمده است. جمع‌الجمع این نسخه دارای حدود ۷۰۰۰ بیت بوده، سال ۸۵۸ هـ (۱۴۵۴م.) از جانب محمود کاتب در شیراز کتابت شده است و از ۲۵۶ ورق عبارت است.

مقاوه‌ی آن به شکل مدالیان (= پلاک) مَه‌ری هست که چنین نوشته‌ای دارد: «عملی (= اجرای) ملا محمد عمر صحّاف». در این مهر، اسم صاحب دست‌نویس با نام احمد نیز ثبت یافته است. در مورد چگونگی یافته شدن این نسخه‌ی دیوان ناصر و حالت ظاهری آن عصمت الله عبد الله اف به تفصیل معلومات داده است (۱۵۴).

۴. نسخه‌ی شماره‌ی ۲۶۶۵/۲۴۲A ذخیره‌ی دست‌نویس‌های شرقی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، که در شهر باکو محفوظ است. در آن مثنوی «هدایت‌نامه» (ورق‌های ۱۲A - ۳۲B) شش قطعه (ورق‌های ۲۹A - ۳۰A) و پانزده رباعی (ورق‌های ۳۰A - ۳۲A) درج یافته‌اند. دست‌نویس با خط نستعلیق نوشته شده، تزیینات آن به مکتب شیراز تعلق دارد. همگی در این نسخه ۶۰۰ بیت وجود دارد. دست‌نویس از ۳۲ ورق عبارت بوده، از جانب کاتب حمزه ابن ابوبکر ماه صفر ۸۶۴ (دسامبر ۱۴۵۹م.) کتابت شده است. اندازه‌اش ۱۲ X ۱۶ سانتی متر است.

۵. نسخه‌ی شماره‌ی ۱۶۴۲ - ذخیره‌ی دست‌نویس‌های شرقی شهر سانکت پیترزبورگ روسیه، که در آن یک قصیده و ۴۳ غزل از شاعر درج است.

۶. بیاض شماره‌ی ۱۸۵۰ - ذخیره‌ی دست‌نویس‌های انستیتوی آثار خطی آکادمی علوم تاجیکستان، که در آن اشعار منتخب ۷۸ شاعر گرد آورده شده است. از جمله در صفحات ۵۶ب و ۶۱ب دو غزل ناصر ثبت گردیده است.

۷. بیاض منظوم و منثور شماره‌ی ۴۳۲۲ ذخیره‌ی دست‌نویس‌های شرقی آکادمی علوم ازبکستان، که سال ۱۳۲۹ هـ کتابت شده و در ورق ۲۵ سه غزل ناقص ناصر ثبت شده است.

۸. بیاض شماره‌ی ۲۰۳۵ ذخیره‌ی دست‌نویس‌های شرقی آکادمی علوم ازبکستان، که پاره‌ای از غزلیات ناصر درج یافته است.

با نظر داشت این همه، روزگار و آثار این شاعر عارف بطور باید و شاید آموخته نشده، هنر شاعری و جهان عارفانه‌ی وی گشاده نشده و مقام او در ادبیات فارسی تعیین نگردیده است. معلومات سرچشمه‌های علمی و ادبی و نسخه‌های دیوان شاعر، که دسترس ماست، امکان می‌دهد مقام عارفی و هنر شاعری ناصر را بشناسیم و نقش او را در تحول ادبیات فارسی، علی‌الخصوص غزل‌سرایی تعیین نماییم.

### منابع و پی نوشت:

۱. بیاض. نسخه‌ی دستنویس گنجینه‌ی نسخ خطی انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی آکادمی علوم تاجیکستان؛ شماره‌ی ۱۵۶۴.
۲. بیاض. نسخه‌ی دستنویس گنجینه‌ی نسخ خطی انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی آکادمی علوم تاجیکستان؛ شماره‌ی ۱۸۵۰.
۳. کلیات کاتبی (در حاشیه‌ی اشعار ناصر بخارایی و شاهی و بساطی و خیامی و آذری). نسخه دستنویس گنجینه‌ی نسخ خطی انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی آکادمی علوم تاجیکستان؛ شماره‌ی ۸۸۴، ۶۵۴ ص.
۴. ناصر بخارایی. دیوان. کاتب محمود کاتب شیراز، ۸۵۸ هجری (۱۴۵۴ م). نسخه‌ی نمنگان (متعلق به عصمت عبدالله‌اف) (ازبکستان).
۵. ناصر بخارایی. هدایت‌نامه. نسخه‌ی شماره‌ی A-242/2665، ذخیره‌ی نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، ۳۲ ص.
۶. نسخه‌ی شماره‌ی ۶۲۸ گنجینه‌ی نسخ خطی انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی آکادمی علوم تاجیکستان.

۷. دیوان اشعار ناصر بخارایی. بکوشش دکتر مهدی درخشان. تهران، ۱۳۵۳ هـ.ش.
۸. ناصر بخارایی. منتخبات. بکوشش عمر بیک حبیب‌اف. دوشنبه، ۱۹۹۶.
۹. نسخه‌ی شماره‌ی ۱۶۴۲ شعبه‌ی لنین‌گرااد انستیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه.